

## توصیف و تحلیل شیوه‌های زبانی و فرا زبانی متهمان گویش شیرازی جهت

اقناع در دادگاه‌های علنی شیراز: تحلیل گفتمان دادگاه کیفری (زبان‌شناسی حقوقی)

عظیمه زائری<sup>۱</sup>

فردوس آفاگل زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر که به روش میدانی صورت گرفته است، مطالعه تحلیل-توصیفی است که با هدف کاربرد دانش و راهبردهای کاربردشناسی زبان در گفتمان زبان‌شناسی حقوقی جهت بررسی شیوه‌های اقناع به کار گرفته شده در گویش شیرازی در دادگاه‌های کیفری شیراز است که متهمان جهت متقاعد نمودن قاضی به کار برده‌اند. داده‌های پژوهش از ۲۰ جلسه علنی دادگاه شهر شیراز جمع‌آوری شده است که در مجموع ۲۱۱۲ جمله بوده است. از این میان ۶۵۴ جمله متعلق به وکلای مدافع، ۳۵۱ جمله مربوط به قاضی، ۹۸۷ جمله متعلق به متهمان و ۱۲۰ جمله متعلق به شاکیان بوده است. در این پژوهش، جملاتی که متهمان به کار برده‌اند به لحاظ تحلیل شیوه‌های اقناع زبانی و فرا زبانی بررسی شده است. هم‌چنین، پژوهشگر به دنبال پاسخگویی به این مسئله بوده است که چگونه کنش‌گران از دانش زبان‌شناختی (نحو، معنا شناسی، کاربردشناختی، ...) و فرا زبانی جهت اقناع یکدیگر بهره می‌گیرند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که متهمان جهت اقناع قاضی، بر شیوه‌های زبانی و راهبردهای کاربردشناسی، حذف، اظهار، نام‌دهی، برانگیختن احساسات قاضی، انکار جرم و هم‌چنین شیوه‌های فرا زبانی از قبیل گریه یا سکوت در گفتمان دادگاه در حوزه زبان‌شناسی حقوقی تأکید می‌ورزند.

کلید واژه‌ها: تحلیل گفتمان حقوقی، راهبردهای کاربردشناسی، اقناع، متهم، گویش شیرازی

<sup>۱</sup>. دانش آموخته دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Email: [Aghagolz@modares.ac.ir](mailto:Aghagolz@modares.ac.ir)

## ۱- مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی<sup>۱</sup> شاخه‌ای میان -رشته‌ای از زبان‌شناسی و حقوق است که در چند سال اخیر بخصوص از سال ۱۹۹۷ میلادی در محافل زبان‌شناسی و حقوق آمریکا و اروپا نضج گرفته و از آن زمان تاکنون از زبان‌شناسان در ارائه اسناد و شهادت در دادگاه‌ها جهت کشف حقایق و قضاوت دقیق‌تر بهره می‌جویند و این همکاری روز به روز رو به گسترش است. از جمله مباحث چشمگیر در حوزه تحلیل گفتمان و بخصوص تحلیل گفتمان انتقادی T بحث بهره از دانش زبان‌شناسی و کاربردشناسی زبان اعم از شیوه‌های زبانی و فرا زبانی در اقناع است. هر انسانی ممکن است در شرایطی، ناچار به قبولانندن نظر و عقیده خود به دیگران گردد. مؤثرترین راه برای رسیدن به این هدف، اقناع طرف مقابل است در برخی جوامع، مراجع قضایی از یافته‌های زبان‌شناسان در کشف حقایق و بررسی صحت و سقم گفته‌ها در پرونده‌های خود بهره می‌گیرند؛ اما در کشور ما هنوز جایگاهی ندارد. مسأله تحقیق حاضر مشخصاً این است که این یافته‌های دانش زبان‌شناسی و کاربردشناسی که می‌توانند در کشف حقایق، آن هم در گفتمان دادگاه با فرهنگ بومی ایران نقش ایفا کنند، کدامند؟ هدف این تحقیق، کشف و توصیف این راهبردها و شیوه‌ها جهت حل مسأله یا پاسخگویی به مسأله فوق است. بیاناتی که در دادگاه‌ها ادا می‌شوند چه از سوی متهمان و چه قضات، شکلی از ارتباطات است که قصد و هدف آن اقناع مخاطبان برای انجام اقدامات است. پژوهش حاضر بر آن است تا این فرایند (اقناع) را در صحبت‌های متهمان و محاکمه آنان مورد بررسی قرار دهد.

## ۲- پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعات انجام شده در مورد پرسش و پاسخ در دادگاه‌ها، به دهه ۸۰ میلادی بر می‌گردد. در این دوره، تحقیقات صورت گرفته بیشتر به لحاظ کمی بوده و از جهات مختلف صورت گرفته است. طی سال‌های اخیر در آمریکا و اروپا نه تنها یافته‌های زبان‌شناسان در دادگاه‌ها و محافل قضایی به کار برده شده، بلکه تحقیقات وسیعی جهت تعمق و گسترش این رشته صورت گرفته و کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نیز به چاپ رسیده است. از میان پژوهشگران غیرایرانی که در حوزه زبان‌شناسی حقوقی به تحقیق پرداخته‌اند می‌توان کوتریل (cotterill) (۲۰۰۳) را نام برد که به بررسی صوری ساختار پرسش و پاسخ و نحوه پرسش‌گری در این محیط پرداخته است تا بدین وسیله مشخص کند تا چه حد مشاهداتی که در جایگاه مشهود حاضر می‌شوند در بازسازی حادثه جرم مؤثرند.

<sup>۱</sup>. Fotensic linguistic

مک منمن (MCMenamin) (۲۰۰۴) نیز به بررسی انواع پرسش‌های به کار رفته در مرحله بازجویی جزء به جزء در دادگاه‌های جمهوری چک پرداخته است. شین (Shen) (۲۰۰۵) نیز به بررسی دادگاه‌های استرالیا و پرسش و پاسخ‌هایی که میان طرفین رد و بدل می‌شود و از طرف حقوقدانان از طرفین دعوی پرسیده می‌شود پرداخته است. هالماری و ورتان (Halmari & Virtanen) (۲۰۰۵) نیز به طور عام به بررسی مکالمات شفاهی میان حاضرین در جلسه که مهمترین بخش آن را پرسش و پاسخ تشکیل می‌دهند پرداخته‌اند. از بین محققان ایرانی که در این زمینه تحقیقات محدودی ارائه داده‌اند می‌توان به این افراد اشاره کرد: آقا گل زاده (۱۳۸۴) که در مقاله‌ای با عنوان «زبان‌شناسی قضایی (قانونی) رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی» بدین موضوع پرداخته است. همچنین آقاگل زاده (۱۳۹۱) در کتاب زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی) به بررسی رابطه‌ای که میان حقوق و زبان‌شناسی وجود دارد و این که زبان‌شناسان تا چه اندازه می‌توانند در دادگاه‌ها و کشف جرایم نقش داشته باشند به تفصیل پرداخته شده است. از دیگر پژوهشگران داوودی (۱۳۹۲) است که در پژوهشی به «بررسی درک ضرب‌المثل‌های فارسی در نوجوانان یک زبانه و دوزبانه: تحلیل مقایسه‌ای عملکرد بر پایه مدل اقتناع محدودیت» پرداخته است. لذا انجام این پژوهش که به بررسی فرآیند اقتناع در دادگاه‌ها، آن هم در فرهنگ گفتمان دادگاه ایران که به صورت میدانی می‌پردازد دارای نوآوری است، ضمناً روش‌های اقتناع قاضی از طرف وکیل را مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌دهد و به دلیل پیوند میان تحلیل گفتمان زبان‌شناسی حقوقی و فرآیند اقتناع در یک پژوهش جامع، پژوهشی جدید است.

### ۳- مبانی نظری پژوهش

در این بخش، به بیان مطالبی در خصوص مبانی نظری پژوهش خواهیم پرداخت و برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر از الگوهای زیر بهره خواهیم گرفت:

#### ۳-۱- الگوی تحلیل گفتمان هاج و کرس (Hodge and kress)

تحلیل ساختارهای گفتمان مدار بر اساس چارچوب هاج و کرس (۱۹۹۶) از چهار جزء اصلی تشکیل شده است:

۱- نام دهی ۲- اسم سازی ۳- جملات مجهول در مقابل معلوم ۴- جملات کنشی در مقابل جملات نسبی (رشیدی، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۱۸).

#### ۳-۲- الگوی تحلیلی هاولند (Hovland)

مدل اقناع هاوُلند و همکارانش مدل متقاعدسازی و تغییر نگرش است. آنان حاصل یافته‌های خود را در اثری تحت عنوان "ارتباطات و متقاعدسازی" منتشر کردند. براساس مدل اقناع هاوُلند، متقاعدسازی طی شش مرحله اساسی صورت می‌گیرد که عبارتند از:

۱- در معرض پیام قرار گرفتن؛<sup>۱</sup> ۲- توجه به پیام؛ ۳- درک پیام؛ ۴- پذیرش نتیجه‌گیری مربوط به پیام؛ ۵- یادآوری نگرش جدید؛ ۶- تبدیل نگرش به رفتار (ر.ک: زیمباردو لیب، ۱۹۹۱: ۸).

### ۳-۳- گویش شیرازی

گویش شیرازی، دارای ذخایر هنری در خور توجه است. ادوارد براون در کتاب «یک سال در میان ایرانیان» می‌نویسد: «تمام کسانی که راجع به ایران مطالعه کرده‌اند، در این گفته متفق‌العقیده هستند که شیراز نه فقط مکان زیبایی است بلکه سکنه آن بین ایرانی‌ها از همه خوش‌ذوق‌تر و اجتماعی‌تر و بانشاط‌تر می‌باشند و زبان آن‌ها تا امروز آهنگ قشنگ و مشخصات خود را حفظ کرده است» (براون، بی تا: ۲۴).

گویش شیرازی یکی از متفرعات «گویش دری» در امتداد تاریخ هزار و دویست ساله خود است. به نظر می‌رسد که گویش دری از حدود قرن نهم به بعد، از محیط‌های فرهنگی شیراز بیرون آمده و جایگزین شیرازی قدیم شده است. شاید همان‌طور که ماهیار نوایی گفته، عامل اصلی تغییر گونه زبانی شیراز از قدیم به دری، همانا وجود دو شاعر فرهیخته یعنی سعدی و حافظ و تأثیر زبان ایشان بر گویش مردم شهر بوده باشد (رک: ماهیار نوایی، ۱۳۴۴: ۷۸).

گویش شیرازی دارای گونه‌های چندی است که در محله‌های مختلف رواج دارد. احتمالاً همه این گونه‌ها دارای ریشه واحد تاریخی‌اند؛ هرچند که در نظر عامه ناظران گاه دارای تفاوت‌های قابل توجهی می‌نمایند. شاید ریشه برخی از این تفاوت‌های گونه‌ای، به ساختار تاریخی شیراز برگردد که در آن اقوام و مردمان مختلف ساکن بوده‌اند.

در گویش شیرازی نیز مانند هر گویش دیگر، هنوز پاره‌ای واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیب‌ها به گوش می‌رسد که برای غیر شیرازی‌ها بیگانه می‌نماید. در گویش شیرازی، تکیه دارای نقشی مهم است و با تغییر محل تکیه، معنا تغییر می‌کند. برای مثال: آقو با (ā) کوتاه به معنی پدر و آقو با (ā) کشیده به

<sup>1</sup>. Exposure to message

معنای آخوند و روحانی است. رستم‌پور اصل کلی و عمومی تطورات واژه‌های این گویش را «تلفظ هر چه ساده تر کلمات» می‌داند (رک: رستم پور، ۱۳۸۰: ۸۰).

#### ۴- روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی- توصیفی بوده و روش انجام کار و جمع آوری داده‌ها در این پژوهش، میدانی به روش مستقیم (چهره به چهره) انجام شده و با ثبت مکالماتی که در گفتمان دادگاه (جلسه دادگاه) در تعامل بین مشارکان صورت گرفته، همراه است. داده‌های گردآوری شده، بیکره زبانی پژوهش را تشکیل می‌دهند. واحد تحلیل پژوهش حاضر را مکالمات میان متهمان و قضات حاضر در جلسات علنی دادگاه رسیدگی به شکایات شهر شیراز تشکیل می‌دهند که با حضور پژوهشگر در ۲۰ جلسه علنی دادگاه ثبت شده و شامل ۲۱۱۲ جمله است. کلیه نمونه‌های عوامل فرازبانی اعم از رفتارها، حرکات، اشارات و حرکات همراه با گفتار، لحن سخن، شیوه بیان و ... که به کمک هم در اقتناع و ایجاد شیوه‌های اقتناع مؤثر هستند، مورد مشاهده و بررسی قرار خواهند گرفت.

#### ۵- تجزیه و تحلیل داده‌ها

##### ۵-۱- شیوه‌های زبانی متهمان برای اقتناع قضات در دادگاه‌ها

برای بررسی شیوه‌های زبانی متهمان جهت اقتناع قاضی در دادگاه، ۹۸۷ جمله از مشارکان گفتمان دادگاه در جلسات دادرسی شناسایی، استخراج و تحلیل گردید که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

##### ۵-۱-۱- اظهار / نام‌دهی / عنوان‌دهی

استفاده و کاربرد نام‌ها برای انسان، اشیا و حوادث، دیدگاه خاصی را منعکس می‌کند که محتوای مثبت یا منفی را دربر دارد و در مخاطب تأثیری خوب یا بد نسبت به شخص یا رویدادی خاص می‌گذارد. بنابر این، نام‌دهی، ایدئولوژی‌های حاکم را به روشنی نشان می‌دهد. به علاوه، گوینده می‌تواند از این طریق تأثیر و اهمیت کسی یا چیزی را کاهش یا افزایش دهد که از میان ۹۸۷ جمله‌ای که متهمان گفته‌اند، در ۶۵ مورد، از نام‌دهی (عنوان‌دهی) که نوعی کنش گفتمانی اظهار محسوب می‌گردد استفاده شده است که در ادامه به نمونه‌ای از آن اشاره شده است.

قاضی: خو موقی که آژیرو رود چرونکه نڈشتی؟

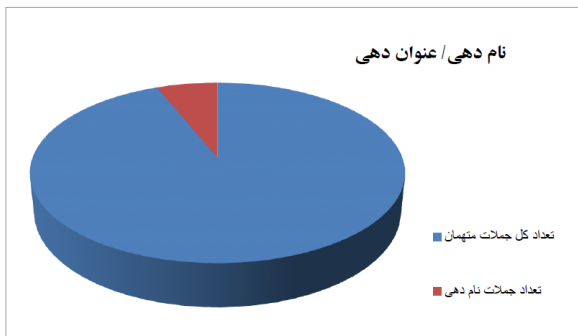
-xo moqey ke āžiro ro zad čero negah nadošti.

متهم: آخ، اونو لباس پلیس تنشون نبود، از کجو می‌دونستم پلیسن. حتی ما یه دونه شاهد داریم، یه خانمی که استاد دانشگاه بود گفتش میاد شهادت میده.

āx ,uno lebās polic tanešun nabud, az kojo midunestam, polican hattāmā ye dune  
šāhed dārim. ke xānomi ke ostād dānešgāh bud gofteš miyād šahādat mide.

بعد دستوری - واژگانی: به لحاظ ساختار زبانی (نحوی) جمله قاضی از نوع پرسشی است و قاضی چنان خلاقانه سؤال را مطرح می‌کند که گویی مطمئن است که متهم توقف نکرده است و در واقع سؤال قاضی دارای نوعی پیش‌فرض ساختاری است. جمله " چرا نگه نداشتی؟" دارای این پیش‌فرض است که شما (متهمان) توقف نکرده‌اید، در نتیجه متهم هستید و به لحاظ معناشناسی واژه آژیر به دستگاهی اطلاق می‌شود که نیروی انتظامی بر روی خودروی خود نصب می‌کند تا برای اطلاع متهم به این که شما باید در این مکان توقف کنی و هم‌چنین اطلاع به افراد دیگر به این که ماشین مذکور خلاف کرده است و مراقب باشید، استفاده می‌شود. اما به لحاظ کاربردشناسی، متهم برای اثبات ادعای خود از شاهدی سخن به میان می‌آورد که گفته شده استاد دانشگاه است، به کارگیری این جمله توسط متهم با قصد صورت پذیرفته است، بنابراین دارای کنش منظوری است و متهم با به کار بردن این جمله قصد دارد نگرشی مثبت در ذهن قاضی نسبت به خود ایجاد کند زیرا نشان‌دهنده ارتباط متهم با قشری از افراد جامعه است که دارای تحصیلات عالی دانشگاهی، متعلق به سطح بالای فرهنگی و اجتماعی هستند، پس ادعای متهم در خصوص عدم ارتکاب جرم می‌تواند صحت داشته باشد؛ زیرا این پیش‌فرض در ذهن قاضی به وجود می‌آید که افراد متعلق به این قشر به دلیل سطح بالای فرهنگی و اجتماعی، ممکن است کمتر دچار ارتکاب جرم و نقض قانون گردند. که در پایان بیان چنین جمله‌ای باعث تأثیری گذاری مثبت در ذهن قاضی است و این امر در اجرای حکم و اقناع قاضی نسبت به جرم متهم و تبرئه و یا تخفیف مجازات وی تأثیرگذار است.

در بررسی کنش گفتمانی اظهار و عنوان‌دهی متهمان در ۹۸۷ جمله در ۲۰ جلسه دادگاه مورد بررسی، ۶۵ جمله یافت گردید که در آن‌ها متهمان با کاربرد کلمات و جملاتی خاص، دارای کنش منظوری هستند و قصد آشکار نمودن موقعیت و شخصیت اجتماعی، سطح طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات خود را دارند که این جملات، نگرشی مثبت و یا منفی در ذهن قاضی ایجاد می‌کند که می‌تواند منجر به اقناع قاضی گردد تا بیشترین تخفیف در مجازات متهم اعمال گردد. این میزان ۶/۵۸٪ از جملات مورد بررسی را شامل می‌گردد که در نوار زیر مشخص شده است.



### ۵-۱-۲- انکار جرم توسط متهم

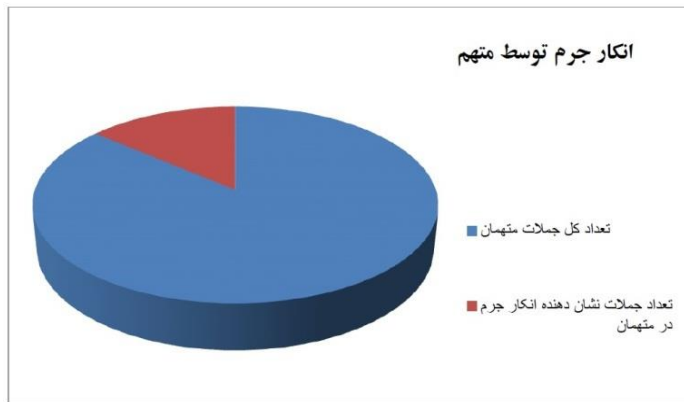
در بررسی جملات مربوط به انکار جرم متهمان، در ۹۸۷ جمله‌ای که توسط متهمان به کار رفته است، ۲۰۹ جمله یافت گردید که در آن‌ها متهم جرم خود را انکار می‌کند و از قبول جرم خود امتناع می‌ورزد و شخص دیگری را به عنوان متهم معرفی می‌نماید؛ به عنوان مثال:  
قاضی: چر تو نگفتی؟ شمورو فرسادیم آزمویش گفت الکل مصرف کردی.  
-čero to nagofti ? šomo ro fersādīm āzmoyeš goftan alkol masraf kerdi.

متهم: نه، جنوب قاضی درصدش بالو نبوده، درصدش خیلی کم بوده به خودو.  
na.jenob qāzi darsadeš balo nabude , darsadeš xeyli kam bude be xodo.

جمله قاضی از لحاظ ساختار نحوی به صورت پرسشی مطرح شده است؛ که در پاسخ متهم به جای این که صراحتاً شروع به پاسخ‌گویی به بخش مورد سؤال و مد نظر قاضی بپردازد شروع به توضیح در مورد دلیل انکار کردن اقرارهای قبلی خود را بیان کند و به ناچار بر صحبت قاضی صحنه می‌گذارد که "من (متهم) سابقه مصرف الکل دارم" جمله قاضی به لحاظ کاربردشناسی دارای پیش‌فرض ساختاری است بنابراین سؤال قاضی دارای این پیش‌فرض است که «تو الکل مصرف کردی» قاضی با بیان این پرسش قصد دارد متهم را در سر یک دو راهی قرار دهد که شما سابقه مصرف الکل داری چرا این عمل را کنمان کردی و با گفتن جمله «شما را به آزمایش فرستادیم» باعث می‌شود که با دلایل و مستندات، صحبت خود را مستدل کند و متهم چاره‌ای غیر از پذیرفتن جرم خود نداشته باشد. در واقع سؤال قاضی از نوع سؤالات جوایب اطلاعات خاص است که متهم در پاسخ، از استراتژی مقاومتی از نوع تصحیح استفاده می‌کند و اظهار نظر می‌کند که این طور نیست و شروع به دفاع از خود با این عبارات که درصد الکل کم بوده و نمی‌توان از روی این درصد مطمئن بود که فرد الکلی است و در واقع او (متهم) قصد منحرف کردن قاضی را دارد. این بخش از کلام متهم نیز از

لحاظ کاربردشناسی دارای کنش منظوری است و بیان این جمله تأثیر چشمگیری در اجرای حکم از طرف قاضی برای متهم دارد.

در بررسی انکار جرم توسط متهم در ۹۸۷ جمله و در ۲۰ جلسه دادگاه، ۱۰۹ جمله یافت شد که در آن‌ها متهم به انکار جرم خود اصرار می‌ورزد و سعی دارد شخص دیگری را متهم جلوه دهد که این میزان ۱۰/۱۶٪ از جملات مورد بررسی را شامل می‌گردد و در نمودار زیر نشان داده شده است:



نمودار ۵-۱-۲- انکار جرم توسط متهم

### ۵-۱-۳- قبول جرم و ابراز پشیمانی

در بررسی جملات مربوط به قبول جرم و ابراز پشیمانی متهمان، در ۹۸۷ جمله‌ای که توسط متهمان به کار رفته است، ۸۵ جمله یافت گردید که در آن‌ها متهم به منظور ابراز پشیمانی، جرم خود را می‌پذیرد تا با پذیرش جرم و ابراز ندامت به اقتناع قاضی پردازد که در ادامه ذکر می‌گردد:

قاضی: کتک خوردن حقش بود، اُم اونم حق شکویت داره زدی تو چشمش؟، یه جایش می‌زدی که کبود نشه، شمو قبلاً اقراری کردی که زدیش.

kotak خوردن haqeš bud. Ammo unam haqe šekoyat dāre zadi to česmeš ? ye jāieš mizad.ke kabud naše šomo qablan eqrar kardi ke zadiš.

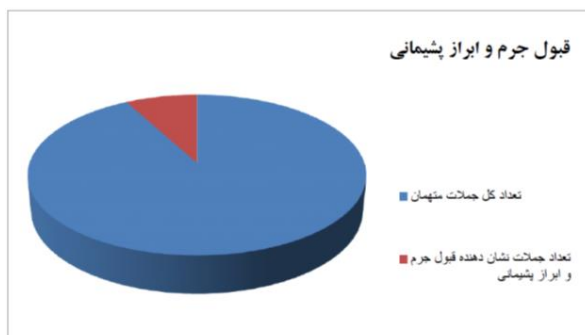
متهم: خو، آره گفتم اُم اونم در حد هل دادن بود، نه ای که کبود بشه، پاشو گچ بیگیره.  
xo āre goftim ammo dar hadde hol dādan bud , na ike kabud beše .pāšo gač bigire.

در نمونه فوق و با صحبت‌های مطرح شده از طرف قاضی، با سؤال جویای تأیید "بلی / نه" مواجه هستیم. قاضی، پیش فرض خود را مبنی بر "کبودی بدن شاکی دلیل کتک کاری متهم است" دارد و متهم نیز با استفاده از راهبرد تعدیل‌کننده پاسخ از نوع مقدمه‌چینی کردن یا طفره رفتن از سؤال قاضی



استفاده می‌کند. در واقع قاضی به منظور این که صحبت خود را به متهم القا کند، در مورد «کتک‌زدن» به گونه‌ای صحبت می‌کند که گویی خود را با متهم هم‌درد می‌داند و او را درک می‌کند و بدین گونه است که متهم در ابتدا سخنان قاضی را قبول می‌کند و سپس شروع به طفره رفتن و انکار می‌کند.

در بررسی قبول جرم و ابراز پشیمانی در ۹۸۷ جمله، ۸۵ جمله یافت گردید که در آن‌ها متهم به منظور ابراز پشیمانی، جرم خود را می‌پذیرد تا با پذیرش جرم و ابراز ندامت به اقتناع قاضی بپردازد و بیشترین تخفیف در مجازات وی اعمال گردد که این میزان ۸/۶۱٪ از جملات مورد بررسی را شامل می‌گردد که در نمودار زیر مشخص شده است:



۳-۱-۵- نمودار قبول جرم و ابراز پشیمانی

#### ۴-۱-۵- برانگیختن احساسات قاضی

در بررسی جملات مربوط به برانگیختن احساسات قاضی، در ۹۸۷ جمله‌ای که توسط متهمان به کار رفته است، ۱۶۲ جمله یافت گردید که در آن‌ها متهم با کاربرد کلمات احساسی؛ مثل داشتن خانواده بی‌سرپرست، نداشتن حامی، مشکلات اقتصادی و بی‌خانمانی بیان می‌کند که مجبور به انجام جرم گردیده است، به عبارت دیگر با بیان این جملات سعی دارد حس ترحم و نوع دوستی قاضی را برای نادیده گرفتن جرم و یا تخفیف در مجازات برانگیزد:

۱) قاضی: ولی گفتن با هم دیه رفتین خونه عموت مگه نه؟

vali goftan bā ham diye raftin xune amut mage na?

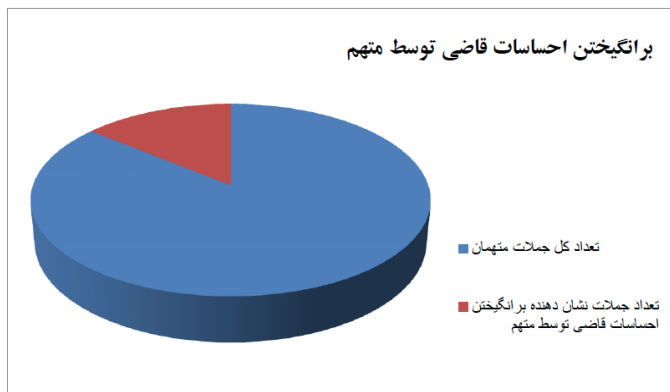
۲) متهم: نه بخدو، مهلت ندادن که روبه رو باهش صحبت کنیم که، ما چون زن عموم فهمیده

کار ما نیست رضویت داده، زن عموم گریه کرد خودوم بهش گفتم.

na be xodo ,mohlat nadādan ke ru be ru bāhāš sohbat konim ke ,mo čon zan amum fahmide kār e ma nist rezoyat dade .zan amum gerye kard xodom beheš goftam

قاضی در این سؤال سعی بر صحه گذاشتن اطلاعات و پیش فرض خود مبنی بر «رفتن متهم به خانه عمویش» دارد. از نحوه پرسش قاضی که در ابتدا سخنش را با جمله خبری آغاز می‌کند و سپس سؤالی از نوع انتخابی «بله / آری یا نه» مطرح می‌کند چنین بر می‌آید که به هیچ وجه به دنبال کسب اطلاعات نیست و قصد محدود کردن متهم را در پاسخگویی دارد تا پیش فرض خود را بر متهم تحمیل کند. متهم نیز از استراتژی مقاومتی مخالفت استفاده می‌کند و اصلاً پیش فرض مورد نظر قاضی را قبول نمی‌کند و شروع به قسم خوردن می‌کند تا نگرش قاضی را نسبت به خود عوض کند و سپس قضیه را با جملات خبری متوالی به نحوی دیگر برای قاضی تعریف می‌کند تا ذهن قاضی نسبت به مطالبی که شنیده بود به سخنان او (متهم) جلب شود. البته قصد و هدف متهم در این مثال بیشتر تغییر نظر قاضی در مورد گفته‌های ذکر شده در مورد اوست.

در بررسی جملات مربوط به برانگیختن احساسات قاضی، در ۹۸۷ جمله در ۲۰ جلسه دادگاه مورد بررسی، ۱۶۲ جمله یافت گردید که در آن‌ها متهم با بیان جملات احساسی در مورد خود و خانواده‌اش سعی می‌کند قاضی را وادار نماید تا در جرم وی تخفیف قائل گردد که این میزان ۱۶/۴۱٪ از جملات مورد بررسی را شامل می‌گردد که در نمودار زیر مشخص شده است.

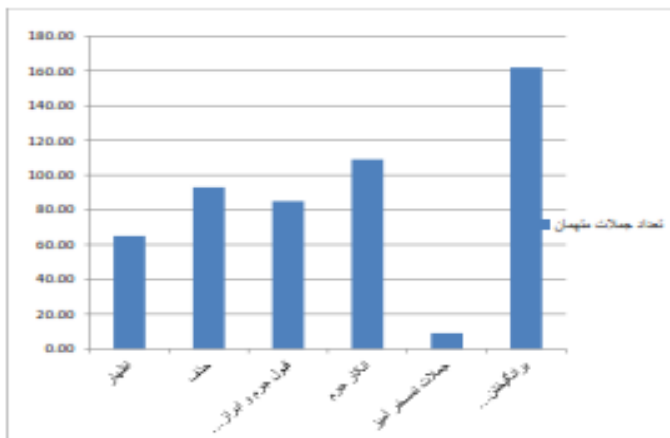


۴-۱-۵- نمودار برانگیختن احساسات قاضی توسط متهم

## ۲-۵- نتایج اولیه کاربرد شیوه‌های کلامی متهمان

مطابق نتایج به دست آمده در این بخش مشخص گردید که متهم در کاربرد شیوه‌های کلامی اقناع برای قانع ساختن قاضی، به کاربرد کلماتی خاص و با استفاده از راهبردهای کاربرد شناختی، کاربرد انواع پیش فرض‌ها، آشکار نمودن موقعیت و شخصیت اجتماعی، سطح طبقه اجتماعی و میزان

تحصیلات خود می‌پردازد تا با این جملات نگرشی مثبت و یا منفی در ذهن قاضی ایجاد کند و منجر به اقناع قاضی گردد تا بیشترین تخفیف در مجازات متهم اعمال شود. هم‌چنین متهم در راهبرد دیگری با پنهان‌سازی و حذف کنشگر و کنش‌پذیر از جمله و تبدیل جمله معلوم به مجهول، سعی می‌کند با کم‌رنگ‌سازی اتفاقات و پنهان‌نمودن برخی واقعیات در دید قاضی نسبت به عمل روی داده، نگرش مثبت و یا منفی در ذهن قاضی ایجاد کند و وی را قانع سازد. هم‌چنین متهم با کاربرد جملات احساسی سعی دارد حس ترحم و نوع دوستی قاضی را برای نادیده گرفتن جرم و یا تخفیف در مجازات برانگیزد، پس مطابق یافته‌های پژوهش برانگیختن احساسات قاضی با بیشترین کاربرد؛ یعنی ۱۶۲ مورد در جملات متهمان، نقش مهمی در اقناع قاضی نسبت به متهم و جرم وی دارد.



۲-۵- تعداد جملات کاربرد شیوه‌های کلامی اقناع در متهمان

### ۳-۵- شیوه‌های غیرکلامی متهمان برای اقناع قضاوت در دادگاه‌ها

#### ۳-۵-۱- کاربرد سکوت برای قبول جرم

در بررسی جملات مربوط به کاربرد سکوت برای قبول جرم، در ۹۸۷ جمله‌ای که توسط متهمان به کار رفته است، ۳۵ جمله یافت گردید که در آن‌ها متهم به جای پاسخ دادن به سؤالات قاضی اقدام به سکوت می‌نماید، در واقع، متهم در این موقعیت با سکوت خود بر مجرم بودن خویش تأکید دارد و ابراز پشیمانی و ندامت می‌کند، پس با پشیمانی خود قاضی را قانع می‌کند:

قاضی: تو سربازی، بروی چی چی مشروب بخوری؟ تو سربازی، بئید از مرز وطن دفاع بکنی،

عده‌ای بروی همی مشروبا مُردن، چه لذتی تو ای مشروبو هست؟

-to sarbāzi baroy či či mašrub boxori? To sarbāzi , boyad az marze vatan defāe

bokoni, eddee baroy hami mašrobā mordan , če lezzati to I mašrubu hast?

متهم: (سکوت)

استفاده قاضی از جملات خبری متعدد نشان می‌دهد که او دارای این پیش‌فرض است که متهم مشروب مصرف می‌کند و هم‌چنین قاضی بر این پیش‌فرض باور دارد و استفاده قاضی از سؤالات جویای تأیید «آری / بله، خیر» بدین منظور است که متهم بر آن‌ها صحنه بگذارد؛ زیرا استفاده از جمله با ساخت خبری محض طولانی، دلیل بر احاطه و کنترل قاضی بر اطلاعات است و باز داشتن متهم از درج اطلاعات جدید را می‌رساند. متهم نیز در پاسخ به سؤالات قاضی به دلیل این که می‌داند قاضی بر پیش‌فرض خود اطمینان کامل دارد سکوت می‌کند و فرض می‌کند که قاضی همه چیز را می‌داند، این نوع سکوت متهم از نوع سکوت پیش‌انگاره‌ای است. در این نوع سکوت، گوینده اطلاعات را بیان نمی‌کند و پاسخ نمی‌دهد زیرا فرض می‌کند خواننده یا شنونده، آن‌ها را می‌داند و یا از بافتی که در آن قرار دارند قابل بازیافت است (هاکین، ۲۰۰۳: ۳۴۹).

### ۵-۳-۲- کاربرد شیوه گریه

در بررسی جملات مربوط به کاربرد گریه در هنگام سخن گفتن، در ۹۸۷ جمله‌ای که توسط متهمان به کار رفته است، ۱۸ جمله یافت گردید که در آن‌ها متهم در حین سخن گفتن و دفاع از خود اقدام به گریه می‌نماید و در این موقعیت متهم یا از جرم و گناه خود پشیمان است و یا از مجازاتی که در انتظارش است وحشت و واهمه دارد، پس برای قانع نمودن قاضی برای پذیرش سخن خود و هم‌چنین تخفیف در مجازات اقدام به گریه می‌نماید که پنج مورد از این جملات به عنوان نمونه انتخاب گردیده است و در ادامه ذکر می‌گردد:

قاضی: حال، پشیمون هستی؟ ها؟

hālo ,pašimun hasti ?hā

متهم: نخیر، شُم اگه منو می‌شناختی ازم نمی‌پرسیدی (همراه با گریه).

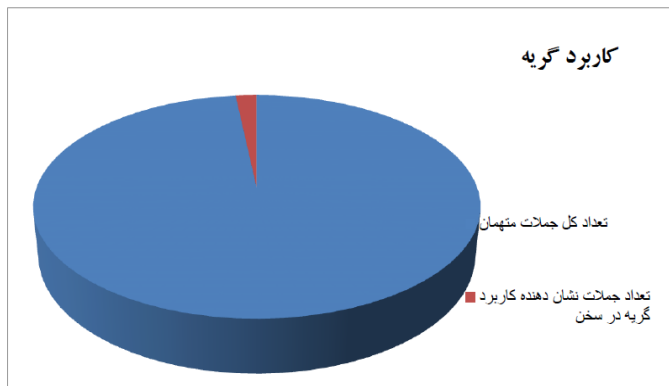
naxeyr,šomo age mano ,mišnāxti azam nemiporsidi

قاضی در این سؤال که منتظر تأیید از سوی متهم است دارای این پیش‌فرض است که «تو (متهم)

جرم را انجام داده‌ای»، بنابراین سؤال بیان شده از طرف قاضی به گونه‌ای است که او (قاضی)

انتظاری جز شنیدن پاسخ مثبت از شنونده ندارد زیرا شخص قاضی از پیش فرض خود اطمینان کامل دارد. متهم نیز از تکنیک مقاومتی مخالفت و تصحیح استفاده می‌کند و سعی می‌کند ذهن قاضی را نسبت به خودش عوض کند و صحبت‌های خود را با گریه بیان می‌کند تا از لحاظ روانی تأثیری بر روی قاضی ایجاد کند و قاضی را برای کم کردن مجازات قانع سازد.

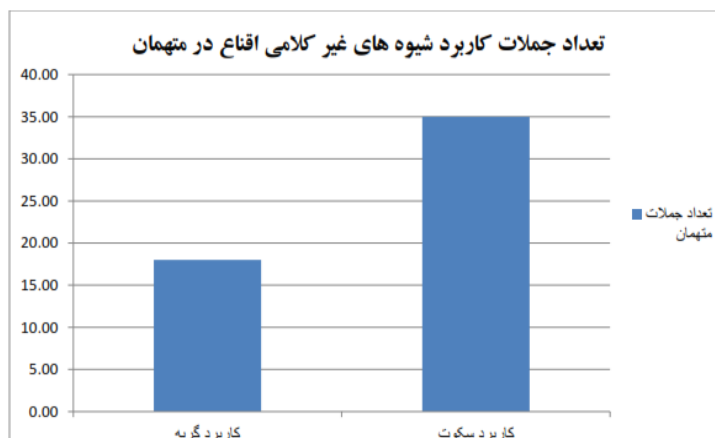
در بررسی جملات مربوط به گریه، در ۹۸۷ جمله در ۲۰ جلسه دادگاه مورد بررسی، ۱۸ جمله یافت گردید که در آن‌ها متهم حین سخن گفتن و دفاع از خود اقدام به گریه می‌نماید، در این موقعیت متهم یا از جرم و گناه خود پشیمان است و یا از مجازاتی که در انتظارش است وحشت و واهمه دارد، پس برای قانع نمودن قاضی برای پذیرش سخن خود و همچنین تخفیف در مجازات اقدام به گریه می‌نماید. این میزان ۱/۸۲٪ از جملات مورد بررسی را شامل می‌گردد که در نمودار زیر مشخص شده است:



۵-۳-۲- نمودار کاربرد گریه

### ۵-۳-۳- نتایج اولیه کاربرد شیوه‌های غیرکلامی متهمان

مطابق نتایج به دست آمده در این بخش مشخص گردید که متهمان در کاربرد شیوه‌های غیر کلامی اقناع برای قانع ساختن قاضی، به جای پاسخ دادن به سؤالات قاضی اقدام به سکوت می‌نمایند، در این موقعیت متهم با سکوت خود در واقع بر مجرم بودن خود تأکید دارد و ابراز پشیمانی و ندامت می‌کند، پس با پشیمانی خود قاضی را قانع می‌کند تا در مجازات وی تخفیف قائل شود. کاربرد سکوت با بیشترین کاربرد؛ یعنی، ۳۵ مورد در جملات متهمان، نقش مهمی در اقناع قاضی نسبت به متهم و جرم وی دارد.



۵-۳-۳- تعداد جملات کاربرد شیوه‌های غیرکلامی اقناع در متهمان

#### ۶- جمع بندی و نتیجه گیری

در راستای یافتن پاسخ به پرسش‌های پژوهش تعامل و گفتگوی چهره به چهره میان متهمان و قضات جهت شناسایی، کشف و توصیف راهبردی زبان‌شناسی در چارچوب زبان‌شناسی حقوقی مشخص گردید که متهمان با استفاده از دانش کاربردشناسی و زبان‌شناسی در کاربرد شیوه‌های زبانی اقناع برای قانع ساختن قاضی، با کاربرد کلماتی خاص، سعی در بی‌گناه جلوه دادن خود از جرم ارتكابی دارند که این جملات نگرشی مثبت و یا منفی در ذهن قاضی ایجاد می‌کند و می‌تواند منجر به اقناع قاضی گردد. هم‌چنین در راهبرد دیگر از کاربرد شناسی و دانش زبان‌شناسی متهمان با پنهان‌سازی و حذف کنشگر و کنش‌پذیر از جمله و تبدیل جمله معلوم به مجهول، سعی می‌کنند با کم‌رنگ‌سازی و پنهان نمودن برخی واقعیات در دید قاضی نسبت به جرم روی داده، نگرشی مثبت و یا منفی در ذهن قاضی ایجاد کنند که این امر خود می‌تواند منجر به اقناع قاضی گردد. پس مطابق یافته‌های پژوهش، برانگیختن احساسات قاضی با بیشترین کاربرد، ۱۶۲ مورد در جملات متهمان، نقش مهمی در اقناع قاضی نسبت به متهم و جرم وی دارد و از سوی دیگر متهمان در کاربرد شیوه‌های غیرکلامی اقناع برای قانع ساختن قاضی، به جای پاسخ دادن به سؤالات قاضی اقدام به سکوت می‌نمایند، در این موقعیت متهم با سکوت خود در واقع بر مجرم بودن خود تأکید دارد و ابراز پشیمانی و ندامت می‌کند، پس با پشیمانی خود قاضی را قانع می‌کند تا در مجازات وی تخفیف قائل گردد، در نهایت کاربرد سکوت با بیشترین کاربرد در جملات متهمان، نقش مهمی در اقناع قاضی نسبت به متهم و جرم وی دارد.

## کتابنامه

### کتاب‌ها

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.  
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)، چاپ دوم، تهران: نشر علم.

-- براون، ادوارد، (بی تا)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه ذبیح الله منصوری، بی جا: کانون معرفت.

- رشیدی، ناصر (۱۳۹۱). تحلیل انتقادی گفتمان کتاب **readers choice** بر اساس چارچوب‌هاج و کرس، تهران: نشر سمت.

### مقاله‌ها

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۴). «زبان‌شناسی قضائی (قانونی): رویکردی نوین در زبان‌شناسی کاربردی»، مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن زبان‌شناسی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ لیوون)»، جستارهای زبانی، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱-۱۹.

- داوودی، گیتی (۱۳۹۲)، «شیوه‌های اقناع»، علوم اجتماعی و رسانه، شماره ۷۵، صص ۵۷-۸۷.  
- رستم پور، سالومه (۱۳۸۰)، «لغات و اصطلاحات ماهیانه شیرازی در آثار سیمین دانشور»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه (۳) ۴۳، صص ۳۷-۳۹.

- فاموری، مهدی (۱۳۹۲)، «چند نکته در گویش شیرازی امروزی»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ش ۴، صص ۸۹-۱۱۲

- ماهیار نوبی، یحیی (۱۳۴۴)، «لهجه شیرازی تا قرن نهم هجری» نشریه دانشگاه تبریز، ش ۷۳، صص ۷۷-۹۰

### منابع انگلیسی

- Austin, J.L. How to do things with words. Oxford university press, Oxford 1962

- Brown, G, Yule, G, (1983). Discourse Analysis, Cambridge: Cambridge University Press
- Cotterill, Janet. (2003). Language and power in court, New York, Palgrave Macmillan Co.
- Coulthard, Malcolm & Johnson, Alison. (2007). An Introduction to Forensic Linguistics: Language in Evidence. New York, Routledge.
- Halmari, Helena and Virtanen, Tuija. (2005). "Persuasion Across Genres: A Linguistic Approach", USA, Philadelphia, John Benjamins Publishing Co
- Huckin, T. (2002), "Textual silence and the discourse of homelessness", Discourse and Society 13(3), 347-372.
- Haviland (1946). Communication and Persuasion New Haven: Yale University Press.
- Hovland, C. I., Lumsdaine, A. A., & Sheffield, F.D. (1953). Experiments on mass communication. Princeton: Princeton University Press.
- Hodge, R. and Kress, G. (1996). Language as Ideology. Great Britain: Redwood Books.
- McMenamin, Gerald R. (2004). Forensic Linguistics: Advances in Forensic Stylistics, USA, Florida, CRC Press.
- Schane, Sanford and Shny, Roger W. (2005). Language and the Law, London: Continuum. 25
- Turell, M. and Gibbons, John. (2008). Dimension of Forensic Linguistics, USA, Philadelphia, John Benjamin Publishing Co.
- Van Leeuwen, T. (2008). Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis. Oxford University Press.
- Van Leeuwen, T.A. (1996). "The representation of social actors" In Coulthard, C.R. (ed.), Text and Practices, Reading in CDA London: Routledge
- Yule, George (1996): The Study of Language (2nd ed.). UK: Cambridge University Press
- Zimbardo, L. (1991). Social Psychology